

بررسی معیارهای شایسته‌سالاری در پرتو شریعت اسلامی  
الجدارة في ضوء شريعة الاسلامية

An Examination of Meritocratic Criteria in The Light of Islamic Law  
Meritokrasi (Liyaket) Kriterlerinin İslam Şeriatı Işığında İncelenmesi

Doi: <https://doi.org/10.69892/Diwan.526>

زمری محمدی<sup>۱</sup>\* شهاب الدین ثاقب<sup>۲</sup>

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Resarch Article

Geliş Tarihi / Received Date:

05.03.2024

Kabul Tarihi / Accepted Date:

14.05.2024

معلومات مقاله / بيانات المقال

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / البحثي

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal tespit edilmemiştir

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism Detected.

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده

Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال Turnitin و لم يثبت انه من السرقات الادبية

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی:

زمری محمدی - شهاب الدین ثاقب، "بررسی معیارهای شایسته‌سالاری در پرتو شریعت اسلامی"، مجله دیوان ۲/۵ (سرطان ۱۴۰۳)، ۱۱۷-۱۰۱.

Atıf:

Zemaray Muhammadi - Shahabuddin Saqeb, "Meritokrasi (Liyaket) Kriterlerinin İslam Şeriatı Işığında İncelenmesi", *Diwan Dergisi* 5/2 (Temmuz 2024), 101-117.

۱. پوهنمل، عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات، دپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون البیرونی.

ORCID: 0009-0009-3214-976\_، [zemaray79@gmail.com](mailto:zemaray79@gmail.com)

۲. پوهنمل، عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات، دپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون البیرونی.

ORCID: 0009-0007-1442-9317. [shahab.saqab12@gmail.com](mailto:shahab.saqab12@gmail.com)

## چکیده

هدف از نگارش این مقاله بیان معیارهای اساسی استخدام اشخاص در مناصب دولتی است؛ زیرا رعایت این معیارها از یک طرف باعث تأمین عدالت و از طرف دیگر باعث ختم فساد می‌گردد. از این رو وقتی متوجه جوامع کشورهای جهان سوم می‌شویم می‌بینیم که عدم رعایت همین معیارها سبب بیکاری، عقبمانی و فقر در این جوامع شده است؛ بنابراین، برای اهل تخصص زمینه کار موجود نبوده و افراد در نظام بدون هیچ معیاری استخدام می‌شوند گویی این مناصب را از پدر در پدر به ارث برده‌اند که این امر سبب به میان آمدن فاصله میان دولت و رعیت می‌گردد. از این رو ما معیارهای شرعی را در خصوص گزینش افراد در نظام به بحث گرفتیم؛ تا بیان نماییم که هدف شریعت اسلامی این است که اصلاح به میان آید؛ لذا این معیارها را بررسی نمودیم تا بروی این درد مهلک که جامعه اسلامی از آن رنج می‌برد، درمانی پیدا شود. ما در این مقاله بیان کردیم مأمورین دولتی در نظام استخدام می‌شوند باید مسلمان، امانت کار، متخصص دارای قوت جسمی باشند بنابر این کسانی که دارای چنین اوصاف نباشند از نظر شرع گمارش آن‌ها مشروع نمی‌باشد. همچنین در این جا به ذکر نمونه‌های رعایت شایسته‌سالاری در عهد نبوی و خلافت راشدین اشاره شده و بحث خویش را با نتیجه‌گیری و ذکر مراجع به پایان رسانیدیم، روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

## کلمات کلیدی:

امانت، تقرر، شایسته‌سالاری، مأموریت، نظام.

## الملخص

يهدف هذا المقال بيان الأسس المعتبرة لاختيار أنسب وأفضل العمال في وظائف رسمية حكومية، ليتسنى إصلاح المجتمع و تيسير إزالة الفساد، و تحقق العدالة في الناس. و لأجل الوصول إلى هذا الهدف بدأنا بكتابة بيان أسباب الموجبة لهذا البحث و بينا أن مجتمعات العالم الثالث تعاني عن البطالة و التخلف يوماً بعد يوم و تزداد المسافة بين الشعب و الحكومة و الفقر يقسو و التعاسة كاد أن تعم الناس جميعاً و خريجي الكليات العلمية و التخصصات المختلفة عاطلة و لا يتيسر لهم فرصة للعمل في الحكومة بينما نشاهد أناساً من لهم ثقافة ابتدائية من العلم و الدراسة تتاح لهم الفرص الجديدة كأنهم ولدوا أباً عن جد لتولي هذه المناصب و لاحظنا أن المعايير المعتبرة عند الشرع و الحكومة لا تطبق سويماً على الجميع و كفاءة المهنية و الدراية و الجدارة لا يعبأ بها و لا قيمة لها كأنها بضاعة مزجاة لا يوزن بدها زهيدة فقمتنا ببيان تلك المعايير. ثم بالأهداف التي دعنتي إلي كتابة هذه المقالة و من أبرزها معالجة هذا الداء الممير للأمة و الشعوب و كذلك إثراء المكتبة الإسلامية. ولهذا تطرقنا بشيء من التفصيل حول الموضوع و ذكرنا أن المرشح للعمل لا بد أن يكون مسلماً و كذلك الأمانة صفة تؤهل الشخص لتوظيفه، كما أن التخصص في مجال العمل من الشروط التي لا يجوز أن نولي شخصاً غير موصوف لهذه الصفة، و أشرنا أن القوة البدنية لازم لإجراء أي وظيفة صغيرة كانت أو كبيرة، ثم ذكرت بعد ذلك عدم جشع الشخص لتقلده تلك المهمة و عقبنا المقالة بذكر أنموذج لرعاية الجدارة في عهد النبوة و الخلافة الراشدة، و المنهجي في هذا البحث يتكون من منهج التوصيفي و التحليلي.

## الكلمات المفتاحية:

الأمانة، التوظيف، الجدارة، الخدمة المدنية، النظام.

**Abstract**

The aim of writing this article is to establish the constitutional criteria for the employment of persons at the governance; of course, compliance with this criterion on the one hand ensures justice and on the other hand, ends deterioration! Therefore when it comes to third-country societies we can see that to be deferred and comply with these standards causes joblessness, corruption, and poverty. Because there is no job field for professional and expert persons, people are hired without any system and ideal criteria, as if they inherited these positions, which causes a gap between the government and the people. Therefore, we discuss the Shari'a standards regarding recruiting in the system to express that the subject of Islamic Sharia is to bring about reformism. Therefore, we examined these criteria to overcome this deadly pain that the Islamic society is suffering from; Find a cure. We have stated here that government officials are employed in the system, they must be Muslim, depositary, and involve experts with physical strength, therefore, those who do not have this character are not legitimate from the point of view of Sharia, similarity, and we mention an example. Competency has been mentioned in the prophetic covenant and caliphate, and we have summed up our argument with conclusions, suggestions, and bibliography. The research method used in this article is descriptive and analytical.

**Keywords:**

Trust,  
Recruitment,  
Meritocracy,  
Job, System.

**Özet**

Bu makalenin yazılma amacı, kişilerin yönetimde istihdamına ilişkin anayasal kriterleri oluşturmak; elbette bu kritere uymak bir yandan adaleti sağlarken diğer yandan yolsuzluğa son verir, yani! Dolayısıyla üçüncü ülke toplumları söz konusu olduğunda bu standartlara uyulmasının ertelenmesinin, bu toplumlarda işsizlik, geri kalmışlık ve yoksulluğa neden olduğunu görebiliriz. Eğitimci ve uzman kişilerin iş alanı olmadığından, insanlar herhangi bir sistem ve ideal kriterler olmadan, sanki bu pozisyonlar kendilerine miras kalmış gibi işe alınmakta, bu da hükümet ile halk arasında uçuruma neden olmaktadır. Bu yazımızda sistemde görevlendirilen devlet memurlarının müslüman, güvenilir, fiziki güce sahip uzman kişiler olması gerektiğini, dolayısıyla bu niteliklere sahip olmayanların Şeriat açısından meşru olmadığını belirtmekteyiz. Ayrıca burada peygamber efendimizin dönemi ve halifelikteki meritokrasi örneklerine değinilmiş olup, sonuç ve referanslarla tartışmamızı sonlandırmekteyiz. Bu makaledeki araştırma yöntemi, betimleyici ve analitik bir yöntemdir.

**Anahtar Kelimeler:**

Güven, Atama,  
Meritokrasi,  
Devlet Memuru,  
Sistem.

## مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَوْضَحَ لَنَا مَعَالِمَ الدِّينِ، وَمَنْ عَلَّمَنَا بِالْكِتَابِ الْمُبِينِ، وَشَرَعَ لَنَا مِنَ الْأَحْكَامِ، وَفَصَّلَ لَنَا مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ مَا جَعَلَهُ عَلَى الدُّنْيَا حُكْمًا تَقَرَّرَتْ بِهِ مَصَالِحُ الْخَلْقِ، وَتَبَتَّتْ بِهِ قَوَاعِدُ الْحَقِّ، وَوَكَّلَ إِلَى وُلاةِ الْأُمُورِ مَا أَحْسَنَ فِيهِ التَّقْدِيرَ، وَأَحْكَمَ بِهِ التَّدْبِيرَ، فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَدَّرَ وَوَدَّعَ، وَصَلَوَاتُهُ وَسَلَامُهُ عَلَى رَسُولِهِ الَّذِي صَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَقَامَ بِحِفْظِهِ مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبَائِهِ.

شایسته‌سالاری در حقیقت سپردن امانت به اهل آن بوده و بدون در نظر داشت این مأمول اصلاح به میان نیامده، قوه خلاقیت در انساها را کد مانده، عدالت تأمین نشده، ظلم جای آن را گرفته، انکشاف و ترقی به میان نیامده فاصله بین دولت و ملت بیشتر می‌گردد، روی اهمیت موضوع خواستیم موقف شریعت را در خصوص معالم دولت داری سالم به رشته تحریر در آوریم؛ تا رهنمای برای ارباب حکم در هنگام استخدام مأمورین و کارگذاران حکومتی باشد، در این گفتار به اهمیت، تاریخچه، سؤال‌ها، فرضیه‌ها، اهداف تحقیق تماس گرفته و در اخیر به نتایج، مناقشه و مراجع بحث پرداخته‌ایم.

استخدام مأمورین و مسؤولین به اساس شایستگی و لیاقت در نظام یکی از عوامل موفقیت دولت به حساب می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود؛ تا امانت به اهل آن سپرده شود، امور مطابق نیاز جامعه پیش برده شود، عدم رعایت این مسئله باعث کندی روند اداری و نظام داری گردیده که نهایتاً منجر به فلج شدن اداره می‌گردد، از این جهت نصوص قرآن و سنت، اجتهاد فقهاء در این زمینه صراحتاً بیان می‌دارد که در وقت استخدام و گماشتن افراد در دولت و نظام کدام شرایط مراعات گردد؟ از طرف دیگر عدم رعایت شروط شرعی در این امر حتی از علایم قیامت دانسته می‌شود.

معیارهای شایسته‌سالاری از دیدگاه اسلام چگونه است؟

هدف به میان آمدن نظام‌ها در جامعه انسانی، زدودن فساد و آوردن اصلاحات مستمر و لازم بوده است؛ تا نظام و دولت در جهت تنظیم امور مردم قدم برداشته، سهولت‌ها را برای شهروندان خویش ایجاد و خدمات عمومی را عرضه بدارد. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین باید به پرسش‌ها و خواست‌های مشروع و ممکن مردم پاسخ ارایه بدارد؛ زیرا اسلام دینی کامل بوده، اصول و قواعد اصلاح و ظرفیت تطبیق آن را دارد. در دین اسلام شایسته‌سالاری و احترام به تخصص را از امور مهم زمامداری به حساب می‌آورد و در این زمینه راهکارهای صریح و قابل قبول را ارایه کرده است.

شایسته‌سالاری آن قدر مهم است که ترک و کنار گذاشتن آن معادل خیانت به خداوند، پیامبر و مؤمنان تلقی گردیده است. تا جایی که بزرگان امت حتی دعاهای مستجاب شان را در حق زمامدار اختصاص داده‌اند. شایسته‌سالاری، احترام به تخصص و علم و سپردن حق به صاحب آن است. همچنین موجب رشد جامعه و ترقی امت اسلامی می‌شود. عامل عقبمانی اکثر جوامع، ترک شایسته‌سالاری و گزینش‌های سلیقه‌ای می‌باشد. از اینکه اسلام دین علم، ترقی و پیشرفت است، اساسات استخدام را به صورت واضح در متون دست اول خویش بیان کرده است؛ تا مسلمانان از آن در رشد و تعالی جامعه خویش استفاده نمایند.

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد. با جستجو در صفحات انترنتی و شبکه‌های اجتماعی جهت اداره بهتر امور دولت سؤالات را جمع‌آوری نموده، سپس به بیان دیدگاه اسلام در این خصوص پرداختیم. جهت انجام این کار اول به آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد شایسته‌سالاری مراجعه کرده، جوابات مقنع آنرا یاد داشت و سپس بعد از تهیه فهرست عناوین با استفاده از کتابخانه‌های مجازی و حقیقی به نگارش این مقاله پرداخته شده است. در تهیه و تنظیم مقاله هذا به تفاسیر معتبر رجوع شده و همچنین تخریج احادیث با استفاده از منابع دست اول، صورت گرفته است.

نظر به معلومات دست‌داشته، تا ایندم در مورد شایسته‌سالاری کدام مقاله و تحقیق مستقل انجام نشده است، جز این که در بعضی از کتب سیاست شرعی تحت عناوین فرعی به آن اشاره شده است، طوریکه امام ابن تیمیه رحمه الله در کتاب خویش موسوم به

سیاست شرعی در صفحه ۳۲ به آن پرداخته و بالای زمامدار واجب میدانند که در هنگام گمارش افراد در نظام اصل امانت‌داری و توانایی را در نظر داشته‌باشد.<sup>۳</sup>

عبد الرحمن ابن جماعه در کتاب تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام این موضوع را ضمن شرایط یک کارگذار دولتی بیان کرده و عدم حرص به مأموریت را یک شرط اساسی گماشته شدن دانسته و با استناد به احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می‌دارد که زمامدار شخص حریص به مأموریت را در دولت نگمارد.<sup>۴</sup>

علامه امام ابو یعلیٰ حنبلی در مورد شرایط رئیس دولت می‌نگارد که رئیس دولت باید شخص آگاه به امور جنگ و صلح، مسلمان، مرد، عادل، شجاع و آزاد باشد.<sup>۵</sup>

امام ماوردی شافعی رحمه الله می‌فرماید: برای کسی که منحیث رئیس دولت انتخاب می‌گردد لازم که شخص عادل، توانمند، آگاه امور دینی و دنیوی، صحتمند و شجاع باشد.

علامه امام غزالی رحمه الله می‌فرماید: کسی که در نظام منحیث مسئول گماشته می‌شود باید شخص امین، با تقوا، آگاه به مسائل مربوط باشد.<sup>۶</sup>

علامه عبد الحی کنانی مالکی رحمه الله حدیثی را نقل می‌نماید که الله متعال اگر در حق زمامدار اراده خیر نماید وزیر شایسته‌ای برایش نصیب می‌نماید، ایشان از این حدیث برداشت می‌نماید که استخدام باید به اساس شایستگی صورت گیرد.<sup>۷</sup>

ابن موصلی رحمه الله می‌فرماید: بالای امام و زمامدار مسلمانان لازم است کسانی را در نظام بگمارد که صالح‌ترین و شایسته‌ترین آن‌ها به آن منصب باشد. به همین ترتیب کسانی را حاکم به قضاء می‌گمارد باید از جمله آنانی باشد که حرص به قضاء نداشته باشد و آنرا طلب نکند. در کنار امانت‌دار بودن و عدم حرص و عدم طلب امارت و مسئولیت قوت و توانمندی پیشبرد امور محوله را به وجه احسن آن داشته باشد؛ اما کسی که متولی امور حربی می‌گردد لازم است تا بر علاوه شروط فوق از شجاعت بیشتر برخوردار باشد.<sup>۸</sup>

علامه امین افندی حنفی می‌نگارد: در صورتیکه دونفر واجد شرایط قضاء باشد یکی آن صالح و دیگر آن اصلح و قوی گماشتن صالح در صورت موجودیت اصلح مکروه است.<sup>۹</sup>

با توجه به منابع فوق موضوع شایسته‌سالاری ضمن مباحث کوچک روی آن اشاره شده است، بناءً خواستم تا معایر مهم شایسته‌سالاری را با در نظر داشت سیاست شرعی و مقاصد نصوص به رشته تحریر در آوریم.

اصلاح جامعه بستگی کامل به اصلاح نظام دارد، زیرا بزرگان دین همچون فضیل ابن عباس و امام احمد رحمه الله فرموده اند اگر دعای مقبولی میداشتم آنرا در حق زمامدار می‌نمودم زیرا در اصلاح وی اصلاح بندگان و شهرها نهفته است، ما در این تحقیق می‌کوشیم رهنمود دین اسلام را در خصوص گزینش مأمورین و شرایط استخدام آن‌ها را بیان نمایم.

۳. تقی الدین احمد بن عبد الحلیم ابن تیمیه، سیاست شرعی، مترجم، شاه محمد رشاد (کابل: مرکز تحقیقات علوم اسلامی امام قتیبه بغلانی، ۱۳۸۷ ه.ق)، ۳۲.

۴. أبو عبدالله محمد بن إبراهیم بن سعد الله بن جماعة الكناني الحموي الشافعي بدر الدین بن جماعه، تحریر الأحكام فی تدبیر اهل الإسلام، تحقیق. عبدالله بن زید آل محمود (الدوحة: دار الثقافة، ۱۹۸۸ م)، ۵۶.

۵. محمد بن الحسین بن محمد بن خلف ابن الفراء أبو یعلیٰ، الأحكام السلطانية، تحقیق. محمد حامد الفقی (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ه.ق)، ۱۹.

۶. غزالی أبو حامد محمد بن محمد، التبر المسبوك فی نصیحة الملوك (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۸ م)، ۸۳.

۷. محمد عبّاد الحیّ بن عبد الکبیر ابن محمد الحسني الإدريسي الكناني، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، مترجم. علی رضا ذکاوتی فراگزلو (قم: چاپ زیتون، ۱۳۸۸ ه.ق)، ۲۷.

۸. محمد بن محمد بن عبد الکریم بن رضوان بن عبد العزیز البعلی شمس الدین ابن الموصلی، حسن السلوك الحافظ دولة الملوك، تحقیق. فؤاد عبد المنعم أحمد (ریاض: دار الوطن، ۱۴۱۰ ه.ق)، ۷۷-۸۲-۹۳.

۹. علی حیدر خواجه امین أفندي، درر الحکام فی شرح مجلة الأحكام (بیروت: دارالجليل، ۱۹۹۱ م)، ۵۷۱/۴.

عامل عمده نابسامانی کشور های اسلامی ترک و یا نا دیده گرفتن تعالیم ارزشمند اسلام عزیز است، اسلام منحیث آخرین پیام خداوندی تعالیم روشن خویش را جهت رهبری جامعه بیان کرده است، لازمست با حرکت گام به گام در صدد اصلاح خویش به اساس آموزه‌های دین مبین اسلام باشیم، تا بتوانیم از عقبمانی علمی، تخصصی، فنی و غیره نجات یابیم، با درک شرایط آشفته کشور خواستم تحقیقی را جهت رفتن به سوی اداره بهتر تحت عنوان بررسی معیارهای شایسته‌سالاری در پرتو شریعت اسلامی بنگارم تا رهگشایی برای زمامداران شود و دولت مردان با تطبیق آن بتوانند بر شماری از مشکلات جامعه و کشور به همکاری عناصر مخلص و متخصص فایق آیند.

## الف: مفهوم شایسته‌سالاری

### ۱. مفهوم لغوی

شایسته در لغت به معنی سزاوار و محترم آمده که در عربی به آن اصلاح می‌گویند و اصلاح به معنی صالح، نیکو ساختن، نیکو شدن، نافع شدن، فساد را از بین بردن، رفع کردن عداوت و نفاق، معالجه کردن فساد، ترمیم کردن خرابی و عقیمانی امور، هدایت و ارشاد مردم به راه صواب و درست می‌باشد.<sup>۱۱</sup> همچنان اصلاح به معنی صالح و نافع است.<sup>۱۱</sup>

### ۲. مفهوم اصطلاحی

شایسته‌سالاری با در نظر داشت مفهوم اصلاح، به معنی استخدام اشخاص است که وظیفه محوله را به گونه مناسب آن انجام دهند و حق آنرا به جا آورند؛ امام ابن تیمیه رحمه الله گفته است: زمامدار مسلمین باید برای انجام وظایف مربوطه اشخاصی را بگمارد که نسبت به دیگران، بهتر، با صلاحیت‌تر و با کفایت‌تر در انجام همان وظیفه باشد.<sup>۱۲</sup>

## ب: معیارهای شایسته‌سالاری

شایسته‌سالاری دارای معیارهای مشخص بوده که عدم رعایت آن سبب فساد جامعه می‌گردد، از همین جهت فضیل بن عیاض رحمه الله می‌فرماید: اگر دعای مقبولی می‌داشتم، آن را در حق امیر می‌کردم، پرسیدند که چرا پادشاه را نسبت به خود مقدم می‌داری؟ فرمود: اگر برای اصلاح خودم دعا کنم منفعتی به دیگران به نظر نیامده؛ اما اگر به اصلاح سلطان دعا نمایم، اصلاح تمام شهرها و مردم به سبب اصلاح سلطان متصور می‌باشد.<sup>۱۳</sup>

امام احمد بن حنبل رحمه الله می‌فرماید: "لو كانت لي دعوة مستجابة لدعوت بها إلى السلطان، لأن في صلاحه صلاح البلاد والعباد، وفي فساد فسادهما".<sup>۱۴</sup> اگر می‌دانستم که کدام یکی از دعاهایم مستجاب است، پس آن را در حق زمامدار می‌خواستم؛ زیرا در اصلاح سلطان، حقیقتاً اصلاح شهرها و مردم است و فساد او فساد شهرها و مردم است.

با در نظر داشت آرای دو تن از بزرگان فوق‌الذکر، در می‌یابیم که تقرر اصلاح یا همان شایسته‌سالاری، ملاک صلاح و فساد جامعه شمرده می‌شود؛ زیرا بزرگان یاد شده، حتی یک دعای مستجاب خود را به جای خود برای زمامدار امور می‌خواهند تا با اصلاح وی، وسیله صلاح جامعه فراهم شود، بناءً لازم است به شرح و تفصیل بیشتر موضوع با ذکر معیارها و نمونه‌هایی از آن پردازیم:

<sup>۱۱</sup>. إبراهيم انيس و دیگران، المعجم الوسيط (قاہرہ: دارالدعوة. ۱۹۹۸ م)، ۵۲۰/۱.

<sup>۱۱</sup>. أبو حبيب سعدي، القاموس الفقهي لغة واصطلاحا (دمشق: دار الفكر، ۱۹۸۸ م)، ۲۱۴/۱.

<sup>۱۲</sup>. ابن تیمیة، سیاست شرعی، ۲۳.

<sup>۱۳</sup>. أبو بكر محمد بن محمد ابن الوليد الفهري الطرطوشي، سراج الملوك (مصر: المطبوعات العربية، ۱۸۷۲ م)، ۹۳.

<sup>۱۴</sup>. ابن جماعة، تحرير الأحكام في تدبير أهل الإسلام، ۵۱.

## ۱. مسلمان بودن

تعیین مسئولین و مأمورین به اساس اسلام و مسلمان بودن آن‌ها از مهم‌ترین شرایط استخدام در اداره اسلامی می‌باشد، چنانچه شیخ عبدالباقی حقانی با در نظر داشت نصوص دینی و آثار صحابه و تابعین این شرط را از اولین شرایط استخدام معرفی می‌نماید و می‌نگارد: در صورتی که زیردستان مسلمان نباشند؛ از احوال و پلان‌های دولت آگاهی حاصل نموده آنرا به دشمن اطلاع می‌دهند.<sup>۱۵</sup> همین‌گونه ابو موسی اشعری کاتب نصرانی داشت که از آن نزد عمر رضی الله عنه یادآوری نمود، آنگاه عمر رضی الله عنه با دستش در ران وی زد؛ به گفته خود ابو موسی رضی الله عنه قریب بود بشکند و خطاب به وی فرمود: چرا خلاف قرآن دوست پنهانی نصرانی برگزیده‌ای؟<sup>۱۶</sup>

همین‌گونه امام شاه ولی الله دهلوی رحمه الله از فقهای مذهب احناف می‌فرماید: سپردن کارهای مسلمین به کفار اصلاً درست نیست؛ زیرا از این امر عمر رضی الله عنه شدیداً نهی فرموده است.<sup>۱۷</sup>

## ۱. امانت‌داری

امانت‌داری اولین شرط مأموریت یا متولیت امور مسلمین است؛ هرگاه در وجود کسی چنین شرط وجود نداشته باشد تعیین آن در اداره امور مردم حرام و ناجائز می‌باشد؛ زیرا متولی ساختن چنین شخصی پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی را در قبال می‌داشته باشد که اینک به بیان آن می‌پردازیم.

هرگاه حاکم کسی را به اساس امانت‌داری به کار نگمارد، این عملکرد وی در حقیقت خیانت در حق الله متعال، رسول الله صلی الله علیه و سلم و مؤمنان است؛ زیرا که دولت‌داری امانت الهی است و باید حدود الهی در آن رعایت گردد؛ طوریکه خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ». ای اهل ایمان! با فاش کردن اسرار و جاسوسی برای دشمن به خدا و پیامبر خیانت نکنید و به امانت‌های میان خود خیانت نوزید؛ در حالی که می‌دانید خیانت، عملی بسیار زشت است.<sup>۱۸</sup>

می‌دانیم که این آیه در مورد یک تن از کارگذاران دولت پیامبر صلی الله علیه و سلم به نام ابولبابه رضی الله عنه نازل شده است، طوریکه مردم بنی قریظه از وی خواستند تصمیم پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد آن‌ها چیست؟ گرچه ابولبابه رضی الله عنه مأمور به حفظ آن بود؛ اما بنابر اصرار آن‌ها و دلسوزی، اسرار از نزدش فاش شد و با اشاره دست به سوی گلویش کنایه به سربریدن، آن‌ها را از تصمیم پیامبر صلی الله علیه و سلم آگاهی داد؛ اما به محض اینکه دانست به پیامبر صلی الله علیه و سلم مرتکب خیانت شده به مسجد رفته و خود را در ستون مسجد بسته کرد.<sup>۱۹</sup>

از این آیه استنباط می‌گردد که در استخدام یک کارگذار باید امانت‌داری وی در وقت گزینش رعایت گردد، در غیر آن خیانت بزرگ را مرتکب خواهیم شد.

الله متعال در آیه دیگری داستان توظیف عباس رضی الله عنه در مقام سقایت حجاج و کلیدداری کعبه را برای ما این‌گونه بیان می‌نماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا». خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به

<sup>۱۵</sup> عبد الباقي حقانی، نظام سیاسی و اداری اسلام، مترجم: عبد البصير مدني (پشاور: مکتبه رشیدیة، ۲۰۱۳ م)، ۲/۲۸۵.

<sup>۱۶</sup> ابن الموصلي، حسن السلوك حافظ الدولة، ۱۶۱.

<sup>۱۷</sup> شاه ولی الله دهلوی، ازالة الخفاء عن خلافة خلفاء (بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ هـ ق)، ۷/۱.

<sup>۱۸</sup> الأنفال، ۲۷/۸.

<sup>۱۹</sup> أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري إبن كثير، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: سامي بن محمد سلامة (بيروت: دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۹۹۹ م)، ۴/۴۰.

عدالت داوری کنید. یقیناً فرمان بازگرداندن امانت و عدالت در داوری نیکو چیزی است که خدا شما را به آن موعظه می‌کند؛ بی‌تردید خدا همواره شنوا و بیناست.<sup>۲۰</sup>

امام ماوردی رحمه الله علیه می‌فرماید: مخاطب آیه، امیران و دولت‌مردان اند و تذکر داده که توسط این آیه پیامبر صلی الله علیه و سلم مأمور شد؛ تا دوباره کلیدهای کعبه را به عثمان بن طلحه تحویل دهد که قبلاً کلیددار و متولی امور کعبه شریف بود، در این آیه الله متعال تصمیم پیامبر را که سپردن وظیفه آب دادن حجاج به عباس بن عبدالمطلب بوده را نه پسندیده و برایش هدایت داد؛ تا مجدداً کلیدهای کعبه را به عثمان بن طلحه که شخص امین بوده و حق امانت‌داری و کلیدداری کعبه را اداء می‌نماید، تسلیم کند.<sup>۲۱</sup>

عدم در نظر داشت امانت‌داری نشانه‌ای از علامات قیامت است، ابن تیمیه رحمه الله گفته: آمریت و زمامداری امانت است به استثنای کسانی که آنرا از روی اهلیت و لیاقت برعهده گرفته، وظایف لازمه و ایجابات آن را اداء نموده باشند، درباره سایر اشخاص، اسباب رسوایی و ندامت شان در روز قیامت می‌گردد.<sup>۲۲</sup>

پیامبر صلی الله علیه و سلم ضایع ساختن امانت را از نشانه‌های قیامت می‌داند و در زمینه می‌فرماید: ﴿فَإِذَا ضُيِّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ قَالَ كَيْفَ إِضَاعَتَهَا قَالَ إِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ﴾. وقتی که امانت ضایع شد منتظر قیامت باشید پرسیده شد که امانت چگونه ضایع می‌شود فرمود وقتیکه کار به غیر اهل آن سپرده شود منتظر قیامت باشید.<sup>۲۳</sup>

در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و سلم امانت‌داری را نشان ایمان مسلمان می‌داند، چنانچه روایت شده است: ﴿لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ﴾. ایمان ندارد کسی که امانت‌دار نباشد و دین ندارد کسی که به عهد خویش وفا نکند.<sup>۲۴</sup> لذا باید زمامدار کسی را در امور دولت به کار بگمارد که امین باشد؛ طوریکه در توصیف یوسف علیه السلام آمده است که وی هنگام عرضه خود مبنی بر گماشتن اش در منصب امور مالی دولت مصر به حاکم وقت فرمود: ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾. "یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه‌های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم".<sup>۲۵</sup>

در آیه فوق یوسف علیه السلام اولاً صفت امانت‌داری و سپس کاردانی خود را یاد می‌نماید، این موضوع برای ما می‌فهماند که در امور مالی شخص امین مقدم‌تر از فرد قوی‌الجثه بوده و در امور غیر مالی توانایی جسمی بیشتر مطرح می‌باشد و به قوت جسمی ارجحیت داده می‌شود، که داستان دختران شعیب علیه السلام بر آن دلالت دارد، خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾. یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد و او دارای این صفات است.<sup>۲۶</sup>

<sup>۲۰</sup>. النساء/۴، ۵۸.

<sup>۲۱</sup>. أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، تفسير الماوردی، تحقیق. السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۰ هـ ق)، ۱/۴۹۸.

<sup>۲۲</sup>. ابن تیمیه، سیاست شرعی، ۴۰.

<sup>۲۳</sup>. محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الجامع الصحيح البخاري، تحقیق. محمد زهير بن ناصر الناصر (بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ ق).

<sup>۲۴</sup>. ۳۵/۱. "علم"، ۲ (۵۹).

<sup>۲۵</sup>. أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني، مسند إمام أحمد بن حنبل، تحقیق. شعيب الأرنؤوط (بيروت: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۱ م)، ۳۳/۲۰ (۱۲۵۶۷).

<sup>۲۶</sup>. يوسف/۱۲، ۵۵.

<sup>۲۷</sup>. القصص/۲۸، ۲۶.

## ۳. تخصص

صفت سوم در تقرر اشخاص و به کار گماشتن آن‌ها در امور دولت علم و تخصص است طوری که در داستان یوسف علیه السلام آمده است: ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾. یوسف گفت: مرا سرپرست خزانة‌های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم.<sup>۲۷</sup>

ذکر صفت علم بعد از ذکر صفت امین بودن در شخصیت یوسف علیه السلام بدین معنی است کسی که در امور مالی گماشته می‌شود باید دارای دو وصف بارز امانت‌داری و تخصص در همان وظیفه باشد، امام ابن تیمیه رحمه الله می‌فرماید: «تخصص نسبت به هر وظیفه فرق می‌کند، به گونه مثال: شجاعت در جنگ و دانستن مسائل حربی مقدم بر امانت‌داری است؛ زیرا از امام احمد بن حنبل رحمه الله سؤال شد که اگر یک امیر فاسق شجاع باشد و دیگری امیر عادل، امین؛ اما ضعیف، در رکاب کدام یک از این امرا شما جهاد می‌نمایید؟ امام احمد رحمه الله پاسخ داد در رکاب امیر فاسق شجاع؛ زیرا ضرر فسق امیر به خودش رسیده اما ضرر ناتوانی امیر ضعیف به رعیت میرسد».<sup>۲۸</sup>

شریعت اسلامی ما را از ابراز نظر در مواردی که به آن علم نداریم منع می‌کند، چنانچه در قرآن کریم آمده است: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾. و از چیزی که به آن علم نداری؛ بلکه برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل که ابزار علم و شناخت واقعی اند مورد بازخواست می‌باشند.<sup>۲۹</sup>

در آیه فوق الله متعال صریحاً بیان می‌دارد، در چیزی که علم ندارید؛ نباید اظهار نظر کنید زیرا قلب، زبان و همه اجزای وجود در برابر عملکردهای شان مسؤول اند.

در آیه دیگر الله متعال می‌فرماید: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾. اگر نمی‌دانید از اهل علم و دانش بپرسید.<sup>۳۰</sup> به همین ترتیب پیامبر صلی الله علیه و سلم از استخدام اشخاصی که متخصص نباشند و در امور تخصصی گماشته شوند خیانت در حق الله، رسولش و مؤمنان می‌داند؛ طوری که در این زمینه فرموده است: «ومن تولی من أمر المسلمین شیئاً فاستعمل علیهم رجلاً وهو یعلم أن فیهم من هو أولى بذلك وأعلم منه بكتاب الله وسنة رسوله فقد خان الله ورسوله وجميع المؤمنین»<sup>۳۱</sup> کسی که قسمتی از زمام امور مسلمانان به وی سپرده شود و وی بالای آن‌ها (مسلمانان) شخصی را بگمارد و بداند که در میان شخص عالم تر به کتاب الله و سنت رسول الله نسبت به فرد مورد نظر موجود است به تحقیق در حق الله، رسول الله و مسلمانان خیانت نموده است.

در حدیث فوق صراحتاً بحث تخصص و دانش مطرح شده و عدول از آن به هیچ وجه جواز نداشته و زمامدار هنگام توظیف افراد در مناصب دولتی باید تخصص‌شان را در نظر داشته باشد؛ اگر این امر را رعایت نکند در حق الله، رسولش و مؤمنان مرتکب خیانت بزرگ می‌شود؛ زیرا در حدیث دیگری نیز پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «مَنْ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا مِنْ عِصَابَةٍ وَفِي تِلْكَ

<sup>۲۷</sup>. یوسف ۲۵/۱۲.

<sup>۲۸</sup>. ابن تیمیه، سیاست شرعی، ۵۳.

<sup>۲۹</sup>. الإسراء ۳۶/۱۷.

<sup>۳۰</sup>. النحل ۴۳/۱۶.

<sup>۳۱</sup>. سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم الطبرانی، المعجم الكبير، تحقیق. حمدي بن عبد المجيد السلفي (قاهرة: مكتبة ابن تیمیه،

۱۹۹۴ م)، ۱۱۴/۱۱.

الْعَصَابَةِ مَنْ هُوَ أَرْضَى لِلَّهِ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَخَانَ رَسُولَهُ وَخَانَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>۳۲</sup> کسی که شخصی را به کار جماعتی مقرر می‌کند و در بین جماعت شخص لایق‌تری نسبت به وی پیدا می‌شود به تحقیق به الله، رسولش و مؤمنان خیانت می‌کند". ابن تیمیه رحمه الله می‌فرماید: مراعات این امانت بالای اولیای امور واجب است؛ تا به جست‌وجوی مستحقین حقیقی کرسی‌ها و مأموریت شوند.<sup>۳۳</sup>

#### ۴. قوت جسمی

قوت جسمی یکی از نعمت‌های الهی است، که برای هرکس خواسته باشد اعطا می‌کند؛ طوریکه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾. پیامبرشان گفت: خدا او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده و خدا زمامداری را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست.<sup>۳۴</sup> امام قرطبی رحمه الله می‌فرماید: او (طلوت) دارای علم فراوان است، زیرا علم ملاک انسانیت است و صاحب جسم قوی‌تر است که وی را در جنگ کمک می‌کند و این دو صفت متضمن صفات امام و احوال امامت است، که طلوت مستحق آن از لحاظ علم، دین و قوت بوده؛ نه از ناحیه نسب.<sup>۳۵</sup>

همچنان دختران شعیب علیه السلام از پدرش خواستند؛ تا موسی علیه السلام را به کار استخدام کند و از صفت قوت و امانت‌داری وی یاد کردند، الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾. یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد و او دارای این صفات است.<sup>۳۶</sup>

این جا دو صفت بارز موسی علیه السلام جهت استخدام به کار یاد می‌شود، قوت‌اش باعث انجام وظیفه‌اش می‌شود، امانت‌داری اش سبب بقای مأموریت؛ زیرا در عین زمان که موسی علیه السلام پیشه شبانی را می‌کرد؛ باید دارای این دو خصوصیت می‌بود، چونکه نگهداری مواشی و رمه از درنده‌ها و آب دادن آن‌ها در نقاط دور، بستگی به قوت دارد؛ اما به خاطر حفاظت آن‌ها از سرقت‌ها و نگهداری شان به‌طور صادقانه نیازمند به صفت امانت‌داری می‌باشد، از این لحاظ موسی علیه السلام باید هر دو صفت کمال مطلوب مأموریت خود را می‌داشت.

لذا ایجاب می‌کند که در هر مأموریت تمام صفات مطلوب همان مأموریت در شخص مورد نظر وجود داشته باشد؛ تا به کار گماشته شود، در غیر آن هر تفرقی که در آن صفات مطلوب وجود نداشته باشد؛ ناجائز و حرام است.

به همین ترتیب در نظر داشتن قوت جسمی در انجام وظایف را در سنت نبوی ملاحظه می‌نماییم، که ابوذر غفاری با وجود صداقت و پیشدستی خویش در اسلام زمانی خواستار مأموریت می‌شود، پیامبر صلی الله علیه و سلم تقاضایش را نمی‌پذیرد؛ طوریکه امام مسلم رحمه الله روایت می‌نماید: عن أبي ذر، قال: قلت: يا رسول الله، ألا تستعملني؟ قال: فاضرب بیده علی منکبی، ثم قال: إيا أبا ذر، إنك ضعيف، وإنها أمانة، وإنها يوم القيامة خزي وندامة، إلا من أخذها بحقها، وأدى الذي عليه فيها. از ابی ذر غفاری رضی الله عنه روایت است که گفت: به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتم، آیا مرا در دولت استخدام نمی‌کنی؟ ابوذر فرمود: رسول الله

<sup>۳۲</sup>. أبو عبدالله الحاكم محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق. مصطفی عبدالقادر عطا (بیروت: دار الکتب العلمیة، مم ۱۹۹۰ م)، ۱۰۴/۴.

<sup>۳۳</sup>. ابن تیمیة، سیاست شرعی، ۳۴.

<sup>۳۴</sup>. البقرة ۲/۲۴۷.

<sup>۳۵</sup>. أبو عبدالله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي، تفسير القرطبي، تحقیق. أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش (القاهرة: دار الکتب المصریة، ۱۹۶۴ م)، ۲۴۶/۳.

<sup>۳۶</sup>. القصص ۲۸/۲۶.

صلی الله علیه و سلم با دست خود به بازویم زد، سپس فرمود: ای ابوذر! تو ضعیف استی و این مأموریت در دولت امانت است، کسی که اهلیت آنرا نداشته باشد؛ سبب رسوایی اش در آخرت می گردد، مگر اینکه کسی حق آنرا ادا کند.<sup>۳۷</sup>

### ۵. عدم حرص به مأموریت

طلب امارت و مسؤولیت اساساً امر درست نیست؛ زیرا در این صورت شخص خود را پاک نفس جلوه می دهد در حالیکه الله متعال می فرماید: فَلَا تَرْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ أَنْتَقَى. "پس خودستایی نکنید. او به کسی که پرهیزکاری پیشه کرده است، آگاه تر است".<sup>۳۸</sup> در چندین حدیث از پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد کسانی که خواهان امارت و یا مسؤولیت شدند روایات آمده است که به ذکر نمونه هایی از آن اکتفاء می نمایم:

از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که فرمود: دخلت علی النبی صلی الله علیه و سلم أنا و رجلاً من قومی، فقال أحد الرجلین: أمرنا یا رسول الله، وقال الآخر مثله، فقال: [إنا لا نُؤکَلِی هذا من سألہ، ولا من حرص علیہ].<sup>۳۹</sup> من و دونفر از قومم به نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمدیم، یکی از آن دو نفر به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: ما را امیر بساز در دولت استخدام کن و دیگری نیز مانند شخص اول خواهش خود را مطرح کرد، پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب آن ها فرمودند: امارت را به کسی نه می سپاریم که آن را بخواهد و یا به حصول آن حرص و طمع بورزد.

عبد الرحمن بن سمره رضی الله عنه فرمود: قال النبی صلی الله علیه و سلم: [یا عبد الرحمن بن سمره، لا تسأل الإمارة، فإنک إن أوتيتها عن مسألة وکلت إليها، وإن أوتيتها من غیر مسألة أعنت علیها].<sup>۴۰</sup> پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: ای عبد الرحمن بن سمره امارت را خودت نخواه، اگر در اثر درخواست برایت داده شود، انجام آن بر عهده خودت می باشد و اگر بدون درخواست برایت داده شد، خداوند همراهت معاونت می کند.

انس رضی الله تعالی عنه گفت: [سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: {مَنْ طَلَبَ الْقَضَاءَ وَاسْتَعَانَ عَلَيْهِ، وَكَلَّ إِلَيْهِ، وَمَنْ لَمْ يَطْلُبْهُ وَلَمْ يَسْتَعِنْ عَلَيْهِ، أَنْزَلَ اللَّهُ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ}.<sup>۴۱</sup> از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمودند: کسی که درخواست قضا را می نماید و در این مطالبه از دیگران معاونت می خواهد، الله او را تنها میگذارد، و معاونتش را از وی باز میدارد، اما اگر قضا را طلب نکرد و به این وظیفه مقرر شد الله متعال ملک را همراه او روان میکند تا در پیشبرد امور قضا با وی کمک و معاونت نماید. اگر مسلمان بداند که ظرفیت پیش برد این امر را دارد و با استخدامش در آن وظیفه، صلاح به میان می آید جواز دارد که خواستار تقرر در آن کار گردد. به باور نگارنده به چنین اشخاص لازم است؛ تا خواهان این منصب شود، همان گونه که یوسف علیه السلام از وقوع بحران مالی در مصر آگاه شد و در خود ظرفیت معالجه آن را دید فرمود: ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾. "یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم".<sup>۴۲</sup>

<sup>۳۷</sup>. مسلم، "اماره"، ۱۶، ۴، (۱۸۲۱).

<sup>۳۸</sup>. النجم ۵۳/۳۲.

<sup>۳۹</sup>. بخاری، "احکام"، ۷، (۷۱۴۸۹).

<sup>۴۰</sup>. بخاری، "ایمان والذکر"، ۱، (۶۶۲۲)؛ "احکام"، ۶، (۷۱۴۲).

<sup>۴۱</sup>. أبو داود سلیمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني، سنن أبي داود، تحقیق. شعيب الأرنؤوط (ابیروت: دار الرسالة العالمية، ۲۰۰۹ م)، "قضا"، ۳، (۳۵۷۸).

<sup>۴۲</sup>. زمري محمدی، نظام اداری اسلام (کابل: انتشارات سعید، ۱۴۰۲ ه.ق)، ۵۷؛ یوسف ۱۲/۵۵.

ج: نمونه‌هایی از شایسته‌سالاری در عصر پیامبر صلی الله علیه و سلم و خلفای راشدین

### ۱. نمونه‌ای از شایسته‌سالاری در عصر پیامبر صلی الله علیه و سلم

پیامبر صلی الله علیه و سلم در دولت‌اش اساس تقرر را شایسته‌سالاری میدانست، حتی کسانی که در اسلام سبقت هم نداشتند لکن به دلیل کاردانی شان در سطوح مختلف آن‌ها را می‌گمارید؛ تا از دانش مسلکی آن‌ها در راستای پیشرفت امور دولت‌داری استفاده شده و جامعه اسلامی به کمال برسد که در ذیل به ذکر چند تن آن‌ها اکتفاء می‌کنیم:

۱.۱. **گماشتن خالد بن ولید رضی الله عنه:** خالد بن ولید رضی الله عنه با وجودیکه در اسلام نسبت به سایر صحابه سبقت ندارد؛ لیکن به دلیل اینکه در مسائل نظامی صاحب‌خبره و دانش بود، او را به حیث فرمانده غزوه مقرر نمود؛ طوریکه امام ابن تیمیه رحمه الله می‌فرماید: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خالد را به فرماندهی لشکر انتخاب کرد؛ لیکن از بعضی امور خالد رضی الله عنه خوش بود و از برخی ناخوش.<sup>۴۳</sup>

۲.۱. **گماشتن ابو عبیده بن الجراح:** پیامبر صلی الله علیه و سلم برای مردم نجران که از پیامبر صلی الله علیه و سلم درخواست نمودند که شخص امینی را برای آن‌ها روان کند، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: {الْبَعْثُ إِلَيْكُمْ رَجُلًا آمِنًا حَقَّ آمِينٌ}، فاستشرف لها أصحاب النبي صلی الله علیه و سلم، فبعث أبو عبیده.<sup>۴۴</sup>

مرد امینی را که واقعاً امین باشد، همراه شما خواهیم فرستاد، هر يك از یاران رسول الله صلی الله علیه و سلم آرزو می‌کرد که فرد امین، او باشد آن حضرت صلی الله علیه و سلم ابو عبیده بن الجراح رضی الله عنه را همراه آن‌ها فرستاد. همچنین در شأن ابو عبیده بن الجراح رضی الله عنه فرمودند: {الْكَلُّ أُمَّةٌ آمِنٌ، وَأَمِينٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَبُو عَبِيدَةَ بْنِ الْجِرَاحِ} از برای هر امتی امینی است و امین این امت ابو عبیده بن الجراح است.

۳.۱. **گماشتن معاذ بن جبل رضی الله عنه:** رسول اکرم صلی الله علیه و سلم معاذ بن جبل را به‌عنوان قاضی برای اهل یمن مقرر نمود و از وی سؤال کرد، هرگاه قضیه‌ای پیش آید آنرا به کدام اساس فیصله خواهید نمود؟ زمانیکه معاذ بن جبل پاسخ مناسب را ارائه نمود رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در حق وی دعای خیر نمود و فرمود: {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَ رَسُولَ رَسُولِ اللَّهِ} سپاس الله متعال را که رسولش را توفیق داد به آنچه که رسولش به آن راضی است.

### ۲. نمونه‌هایی از شایسته‌سالاری در عهد خلفای راشدین

۱.۲. **اعتماد عمر رضی الله عنه بالای خالد بن ولید رضی الله عنه:** عمر رضی الله عنه در نامه خود به ابو عبیده ابن الجراح رضی الله عنه نوشت: از محاصره اهل دمشق توسط شما اطلاع یافتیم و از امروز به بعد شما (ابو عبیده) سرپرست مسلمانان آن سامان هستید. پس نیروهای خود را در نواحی اطراف شهر حمص، دمشق و سایر شهرهای شام پراکنده ساز و در این باره از رأی خود و رأی مسلمانانی استفاده کن که با تو هستند. البته، نباید این دستور من تو را وادار نماید؛ تا با اعزام همه نیروها پایگاهت را کاملاً خالی کنی و دشمن را نسبت به خود امیدوار سازی. بلکه جهت ادامه محاصره باید به قدر کافی نیرو داشته باشی، از جمله خالد بن ولید را نزد خود نگه‌دار که به کمک او احتیاج خواهی داشت.<sup>۴۷</sup>

۲.۲. **گماشتن ابو عبیده ثقفی به حیث فرمانده جبهه عراق:** ابو عبیده ثقفی با وجودیکه صحابه نبود؛ لیکن به علت رغبت و علاقه‌اش به جهاد و کاردانی‌اش در امور نظامی عمر رضی الله عنه وی را به حیث فرمانده عمومی جبهه عراق تعیین کرد، با جودیکه اصحاب

<sup>۴۳</sup>. ابن تیمیه، سیاست شرعی، ۵۴.

<sup>۴۴</sup>. بخاری، "اخبار الآحاد"، ۱ (۷۲۵۴).

<sup>۴۵</sup>. بخاری، "مغازی"، ۷۲ (۴۳۸۲).

<sup>۴۶</sup>. سنن ابوداود، "قضا"، ۱۱ (۳۵۹۲).

<sup>۴۷</sup>. علی محمد صلابی، عمر فاروق (تهران: احسان، ۱۳۸۸ ه.ق)، ۷۲۰.

به تقرر اش موافق نبودند؛ اما عمر رضی الله فرمودند: به خدا سوگند! هیچ کس برای این کار شایسته‌تر از کسی نیست که قبل از همه اعلان آمادگی نموده است و اگر سلیط مرد عجولی نبود او را بر شما می‌گماشتم؛ ولی ابوعبید امیر شما و سلیط وزیر و معاون او است.<sup>۴۸</sup>

#### مناقشه

شایسته‌سالاری در هر نظام سبب تقویت پایه‌های آن گردیده و بی‌توجهی به آن عامل فساد اداری، بروکراسی، عقبمانی جامعه می‌شود، دین اسلام طلب مأموریت را مذموم می‌داند؛ اما اگر کسی بداند که در صورت عدم طلب مأموریت، کرسی خدمت به نااهلان سپرده می‌شود و به عوض تأمین عدالت ظلم واقع می‌شود؛ جائز و حتی واجب است که مأموریت را طلب کرده خود را به خدمت‌گذاری جهت حل مشکل جامعه عرضه نماید. شایسته‌سالاری اصل امانت‌داری بوده و عدم توجه به آن، خیانتی بزرگ به مجتمع و نظام تلقی می‌گردد، زمامدار مسلمان باید در تطبیق شایسته‌سالاری حریص بوده، معالم و اساسات آن را به کارگذاران خویش تفهیم نماید.

اجتهاد برخی از صحابه کرام، منجمله ابوموسی اشعری رضی الله عنه بیانگر مجوز استخدام غیر مسلمانان در اداره اسلامی می‌باشد؛ لاکن در مقابل این اجتهاد دیده می‌شود که عمر رضی الله عنه به شدت موقف می‌گیرد و ابوموسی اشعری رضی الله عنه را از آن ممانعت می‌نماید، همین‌گونه طلب مأموریت مذموم بوده؛ لیکن فقهاء به این باوراند در صورتی که اشخاص مخلص و اصلح در نظام کمتر باشند بالای اشخاص اصلح لازم است تا خویشتن را به حمل بار دوش مأموریت در نظام عرضه نمایند؛ تا به اساس تقرر آن‌ها اصلاح به میان آمده و فساد خاتمه داده شود.

سابقه دار بودن در اسلام یک ارزش است لاکن تخصص و کاردانی در امر حکومت‌داری ارزش دیگر است، از این جهت مشاهده می‌گردد که با وجود سابقه‌دار بودن ابوذر غفاری رضی الله عنه از استخدام وی در حکومت اجتناب صورت می‌گیرد؛ اما با وجودیکه خالد بن ولید رضی الله عنه و سایر اصحاب که در فتح مکه و یا چند ماه و چند روز قبل از فتح مکه مسلمان شدند؛ لیکن استعداد، درایت، شایستگی به گماشتن و استخدام در اداره داشتند از جانب پیامبر صلی الله علیه و سلم به امور مهم کشوری گماشته شدند.

به تاسی از سیرت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم اصحاب با وفای شان که شاگردان تربیت یافته، مکتب رسالت و نبوت بودند، هم در امر حکومت‌داری اشخاص مسلمان، امین، متخصص و قوی را می‌گماشتند؛ تا امور امت به صورت درست رهبری شده و اصلاح به میان آید؛ چونکه اکثر دانشمندان اسلامی سیاست را تحقق اصلاح و ختم فساد تعریف نموده‌اند.

<sup>۴۸</sup>. صلابی، عمر فاروق، ۵۶۸.

### نتیجه‌گیری

تقرر اصلاح و یا شایسته‌سالاری اساس دولت‌داری موفق را تشکیل داده و بدون در نظر داشت آن اصلاح جامعه به میان نمی‌آید، زمامدار مسلمان در استخدام اشخاص؛ باید اصول اساسی شایسته‌سالاری که در این گفتار به آن پرداخته شد را در نظر بگیرد که عبارت است از امانت‌داری، تخصص، قوت و حریص نبودن به گرفتن مسئولیت است، در نظر بگیرد. هر گاه اشخاصی را که دارای چنین اوصاف اند، دریابد به خاطر به میان آمدن اصلاح در جامعه و پیشرفت امور دولت داری به استخدام آن‌ها اقدام نماید، و از تقرری‌ها بر مبنای عصبیت و قوم‌گرایی دوری گزیند.

سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم و سیرت خلفای راشدین به خودی خود ثابت کننده رعایت معاییر فوق بوده که تاریخ گواه به موفقیت اداره آن‌ها در عصر و زمان شان دارد؛ زیرا در اداره پیامبر صلی الله علیه و سلم استخدام به اساس امانت‌داری، تخصص، تعهد، قوت جسمی صورت می‌گرفت و هیچگاهی قومیت، سابقه‌دار بودن در اسلام به جای تعهد و تخصص سبقت نمی‌گرفت؛ بلکه اساس تقرر و گماشتن افراد در پست‌ها و مناصب دولتی؛ اسلامیت، امانت‌داری، تخصص، عدالت، عدم حرص به مأموریت و مسئولیت و در نهایت عدم درخواست امارت و مسئولیت، بود. این راهکار واضحاً بیانگر موفقیت اداره نبوی و عصر خلفای راشدین رضی الله عنهم بود.

در نظر نگرفتن چنین معیارها سبب افزایش بروکراسی، فرار نیروی کار، بیرون شدن مغزها از کشور و در نهایت منجر به به میان آمدن یک نظام ناکارا خواهد شد؛ پس وقتی می‌توانیم به طرف حکومت‌داری خوب حرکت نماییم که معیارهای حکومت‌داری ما و اساس استخدام ما برگرفته شده از سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم باشد.

## فهرست منابع

## قرآن کریم

- انيس، ابراهيم و ديگران. المعجم الوسيط. قاهره: دار الدعوة، ١٩٩٨ م.
- ابن تيميه، تقى الدين احمد بن عبد الحليم. سياست شرعي. مترجم. شاه محمد رشاد. كابل: مركز تحقيقات علوم اسلامي امام قتيبه بغلاتي، ١٣٨٧ هـ ش .
- ابن جماعة، أبو عبدالله. محمد بن إبراهيم بن سعد الله بن جماعة الكناني الحموي الشافعي بدر الدين. تحرير الأحكام في تدبير أهل الإسلام. تحقيق. عبدالله بن زيد آل محمود. جلد ٣. دوحه: دار الثقافة بتفويض، ١٩٨٨ م.
- الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي. تفسير الماوردي. تحقيق. السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٣٥ هـ ق.
- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري. تفسير القرآن العظيم. محقق. سامي بن محمد سلامة. بيروت: دار طيبة للنشر والتوزيع. ١٩٩٩ م.
- سعدي، أبو حبيب. القاموس الفقهي لغة واصطلاحا. دمشق: دار الفكر، ١٩٨٨ م .
- السَّجِسْتَانِي، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي. سنن أبي داود. تحقيق. شعيب الأرنؤوط. بيروت: دار الرسالة العالمية، ٢٠٠٩ م .
- الشيباني، أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. مسند إمام أحمد بن حنبل. تحقيق. شعيب الأرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة، ٢٠٠١ م.
- النيسابوري، أبو عبدالله الحاكم محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم بن الحكم الضبي الطهماني ، المستدرك على الصحيحين. تحقيق. مصطفى عبدالقادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٩٩٠ م.
- قرطبي، أبو عبدالله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي. تفسير القرطبي. تحقيق. أحمد البردوني. جلد ٢. القاهرة: دار الكتب المصرية، ١٩٦٤ م.
- ابن الفراء، أبو يعلى محمد بن الحسين بن محمد بن خلف. الأحكام السلطانية. تحقيق. محمد حامد الفقي. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ هـ ق.
- أفندي، علي حيدر خواجه أمين. درر الحكام في شرح مجلة الأحكام. جلد ٤. بيروت: دار الجيل، ١٩٩١ م.
- حقاني، عبد الباقي. نظام سياسي و اداري اسلام. مترجم. عبد البصير مدني. جلد ٢. پشاور: مكتبه رشيديه ٢٠١٣ م.
- طبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي. أبو القاسم. المعجم الكبير. محقق. حمدي بن عبد المجيد السلفي. قاهره: مكتبة ابن تيمية، ١٩٩٤ م.
- طرطوشي، أبو بكر محمد بن محمد ابن الوليد الفهري الطرطوشي المالكي. سراج الملوك. مصر: من أوائل المطبوعات العربية، ١٨٧٢ م.
- صلابي، علي محمد صلابي. تحليل زندگانی عمر فاروق، تهران: احسان، ١٣٨٨ هـ ش.
- غزالي، أبو حامد محمد بن محمد. التبر المسبوك في نصيحة الملوك. بيروت: دار الكتب العلمية. ١٩٨٨ م.
- ماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي. الأحكام السلطانية. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ هـ ق.

- بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی. الجامع الصحیح البخاری. تحقیق. محمد زهیر بن ناصر الناصر. دار طوق النجاة: بیروت، ۱۴۲۲ ه.ق.
- ابن الموصلی، محمد بن محمد بن عبد الکریم بن رضوان بن عبد العزیز البعلی شمس الدین. حسن السلوک الحافظ دولة الملوک. تحقیق. فؤاد عبد المنعم أحمد، دار الوطن: الرياض، ۱۴۱۰ ه.ق.
- کتانی، محمد عبّد الحیّ بن عبد الکریم ابن محمد الحسنی الإدریسی. عبدالحی کتانی. نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام. مترجم. علی رضا ذکاوتی قراگزلو، قم: زیتون ۱۳۸۸ ه.ش.
- محمدی، زمری. نظام اداری اسلام. کابل: انتشارات سعید، ۱۴۰۲ ه.ش.
- النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری. صحیح مسلم. تحقیق. محمد فؤاد عبد الباقدار إحياء التراث العربي: بیروت، ۱۴۲۴ ه.ق.